

ضرورت و چگونگی تحول در آموزش مدرسه ای با تأکید بر نقش معلم

جواد شیرکرمی^۱، الهام قیاسی^۲، تیمور دارابی نژاد^۳، حمزه کیادی^۴، علیرضا قیاسی^۵

^۱ دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک (نویسنده مسئول)

^۲ مدرس گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور

^۳ کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی

^۴ کارشناسی آموزش ابتدایی

^۵ کارشناسی آموزش ابتدایی

چکیده

امروزه اگر چه شاهد تغییر و تحولات گسترده و رشد و پیشرفت صنایع و فناوری های ارتباطی هستیم، اما همچنان رشد و تعالی، کارایی و کاربرد آموزش ها خصوصاً آموزش های عمومی و پایه آنچنان که شاید و باید تحقق نیافته است. در حالی که برنامه ریزی آموزش و پرورش مؤید تأکید بر کیفیت است اما در عمل کمیت ها در اولویت قرار دارد و همچنان رویکردهای کهن و متمرکز در برنامه ها و برنامه ریزی ها برقرار است و انعطاف پذیری، نوآوری، کار مشارکتی و برقراری سازوکارهای پشتیبانی مورد توجه نیست. سرعت تحولات جدید، نظام آموزشی را در ابعاد و جنبه های مختلف اعم از محتوای کتاب های درسی، شیوه ها و روش های تدریس و نیز امکانات و فضای آموزشی با چالش مواجه ساخته است. در این شرایط، تعیین اهداف و دورنما، راهبردها و اقدامات با تأکید بر آماده سازی و حمایت و پشتیبانی مالی و آموزشی در حوزه درونداد، فرایند و برونادهای تعلیم و تربیت و نیز به روزرسانی و تطبیق درونمایه های آموزشی با نیازهای جدید ضروری است.

واژه های کلیدی: آموزش مدرسه ای، تحول، موانع و مشکلات، محیط آموزشگاه، محتوای آموزشی.

مقدمه

با وجود تحولات و پیشرفت در زمینه های گوناگون تعلیم و تربیت اعم از گسترش رشته های تربیتی، تحول در محتوای تعلیم و تربیت، تدوین روش های جدید تدریس و توجه به مسائل روان شناختی، جامعه شناختی و فلسفی مربوط به تعلیم و تربیت و تئوری های مربوط به آموزش و تربیت معلم، متأسفانه در برخی زمینه ها تلاش های مفید و کافی صورت نگرفته است. امروزه، بر کسی پوشیده نیست که دانش آموزان بسیاری از دانش ها و مهارت های مورد نیاز زندگی نظیر مهارت های فنی، آشنایی با زبان های خارجی و حتی ورزش و سلامتی را آنگونه که مورد نیاز است یاد نمی گیرند، بنابراین این سؤال مطرح است که چاره چیست؟ و یا چه باید کرد؟ (شیرکرمی و همکاران، ۱۳۹۵).

باید توجه داشت که برنامه ریزی آموزش و پرورش قبل از این که بر شاخص های کمی استوار باشد بر کیفیت تأکید دارد. اوامر آموزشی و فرایند تصمیم گیری ها باید بر اساس یک الگوی مشخص و هدفمند صورت گیرد. ضمن تلاش برای همگامی با پیشرفت ها و شرایط جدید، آموزش و پرورش برای رسیدن به اهداف متعالی سازمانی و رسیدن به استانداردهای لازم نیاز به بازبینی و چاره اندیشی دارد و این بازبینی می بایست در سطوح مختلف نظام آموزشی و خصوصاً در بازنگری روش آموزش در مقاطع مختلف صورت پذیرد (هوشیار، ۱۳۸۵). امروزه دانش آموزان در مدارس به جای یادگیری مهارت های کاربردی زندگی و تجربه شادترین لحظات زندگی خود، برای گرفتن مدرک تحصیلی ناچار به پذیرش مقررات و استانداردهای غیرمنعطف و ناکارآمد هستند. در حالی که مدرسه با جایگاه نهادی خود، وظیفه دارد تا در فضایی آرام و صمیمی مهارت های آموزشی و پرورشی را به کودکان و نوجوانان بیاموزد تا آنها با آموخته ها و اندوخته های کافی نقش مفید و ثمربخشی را در جامعه خود ایفا کنند (کوهستانی، ۱۳۹۹).

انعطاف، ابداع و نوآوری در حوزه آموزش و یادگیری، حل سیستماتیک و اشتراکی مسائل و مشکلات دانش آموزان در مدرسه و کلاس درس، سطح بندی دانش آموزان، تنوع در تدریس و توجه به استعدادها و رعایت اعتدال در انتظارات، آموزش کاربردی، برقراری سازوکارهای پشتیبانی و مشاوره و از همه مهمتر جذب و توزیع بهینه سرمایه مادی و نیروی انسانی از مسائل و چالش های اساسی در حوزه آموزش و پرورش می باشند. پژوهش حاضر با هدف تشریح ضرورت تحول در آموزش و پرورش، طرح مسائل و مشکلات آموزش مدرسه ای و ارائه برخی راهکارهای مناسب انجام شده است.

ضرورت و اهمیت

سرعت تحولات در کشورهای مختلف بحران های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و... بسیاری را به دنبال داشته است، که کارآیی نظام های آموزشی را مورد سؤال و بازنگری قرار داده است. در حال حاضر برنامه ریزی استراتژیک و طراحی یک سیستم استاندارد آموزشی بیش از گذشته احساس می شود. عواملی نظیر افزایش تقاضا برای آموزش، افزایش هزینه های آموزش و پرورش و چگونگی تأمین آن و نیز مسأله کاهش کیفیت آموزشی، از عوامل چالش برانگیز موجود می باشند که کارشناسان و دست اندرکاران نظام های آموزشی با آن دست و پنجه نرم می کنند (عسگری، ۱۳۷۳ و بازرگان، ۱۳۷۴؛ به نقل از هوشیار، ۱۳۸۵). علاوه بر موارد مذکور، امروزه ضرورت و جایگاه نیروی انسانی اجتناب ناپذیر است. در کل می توان گفت نظام آموزشی غیرهدفمند در ترسیم نقشه آموزشی و مهندسی فرهنگی مطلوب ناتوان خواهد بود (صالحی، ۱۳۸۰). بنابراین پرداختن به مشکلات موجود و لزوم تجدید نظر در کمیت و کیفیت آموزش و پرورش کشور ضرورتی اجتناب ناپذیر می باشد. از طرفی هر گونه تغییر و تحول در برنامه های آموزشی باید مبتنی بر نظریه ها و یافته های علمی باشد تا ثمره مطلوب را در بر داشته باشد (هوشیار، ۱۳۸۵).

مشکلات نظام آموزشی

چالش های موجود در نظام آموزشی در ابعاد محتوای کتاب های درسی، شیوه ها و روش های تدریس، آموزش متمرکز و عدم استقرار سازوکارهای مربوط به فناوری آموزشی قابل طرح است. با وجود تغییر تدریجی محتوای درسی اما همچنان محتوا

کاربردی نیست و شیوه های تدریس سنتی و نقش محوری معلم و مهارت های کلامی او مورد استقبال است و دانش آموزان از نشاط و فعالیت لازم برخوردار نیستند. هنوز بسترهای فناوری آموزشی در مدارس استقرار نیافته و حتی ابتکارات معلمان نیز آنچنان که شاید و باید دیده نمی شود.

با اندکی تأمل در می یابیم که با وجود تلاش های فراوانی که صورت گرفته است، مسائلی نظیر روش های ناکارآمد، توسعه نیافتگی و درآمد پایین، کمبود منابع مالی و امکانات آموزشی از قبیل آزمایشگاه، حمایت مالی از تحقیقات، تهیه و توزیع فناوری ها و نیز مسائلی همچون ناکارآمدی مدیران، کهنگی روش ها، عدم توجه به رشد خلاقیت و آفرینندگی، برنامه ها و آموزش های غیر منعطف و غیر کاربردی، بی توجهی به نیازهای روانی، عدم تلفیق آموزش های رسمی و غیر رسمی و مسائل دیگری در این طیف وجود دارد که لزوم توجه به محتوای کاربردی و متناسب با نیازهای روز مانند مهارت های زندگی، آموزش های شهروندی، مدیریت دانش آموزشی و پرورشی، تعالی سازمانی در آموزش و پرورش و کشف نیازهای آینده و برنامه ریزی برای رسیدن به آن را ضروری ساخته است. عدم تناسب فضای کلاس درس با تعداد دانش آموزان و دو شیفته بودن موجب می شود تا معلم در پیاده سازی روش های آموزشی ابتکار عمل نداشته باشد و با محدودیت مواجه شود؛ چنین مدرسه ای از حیاط و فضای مناسبی برای بازی و جنب و جوش دانش آموزان برخوردار نیست.

محیط آموزشگاه

یکی از عواملی که موجب دزدگی دانش آموزان از مدرسه می شود محیط خشک و بدون جذابیت آن است. بسیاری از مدارس محیطی فرسوده و معماری نامناسب دارند و از نظر فضای سبز، تزئینات و رنگ آمیزی و نور و تهویه در وضعیت نامطلوبی به سر می برند. اما مهم تر از این ها فضای بدون انعطاف و یکسویه کلاسها، تدریس به شیوه های سنتی، تک گویی معلم و پذیرش بی چون و چرای دانش آموز و عدم نشاط جمعی از بزرگترین ضعف های سیستم آموزشی است (یکتاپرس، ۱۴۰۰). بچه هایی که وارد مدرسه می شوند از طبقات اجتماعی متفاوت و با استعدادهای گوناگون هستند، اما در مدارس امکان پرورش بسیاری از توانایی های اختصاصی دانش آموزان وجود ندارد و آنها نسبت به درس های مشترکی که همه مجبور به یادگیری آن هستند، تمایل چندانی ندارند (کوهستانی، ۱۳۹۹؛ یکتاپرس، ۱۴۰۰). عقیده بر این است که انطباق های خلاق و پویا به طور مؤثری در فضای کیفی آموزشی تأثیر دارد. انطباق های خلاق می توانند برنامه های درسی را به یکدیگر مرتبط کنند و مفاهیم را عینی تر سازند. بنابراین ضرورت دارد تا محیط آموزشی به ویژگی ها و تکنیک های جدید مجهز گردد (هوشیار، ۱۳۸۵).

محتوای آموزشی

محتوای آموزشی دوره رسمی - عمومی دارای اشکالاتی است که تا حد زیادی مانع از دستیابی به اهداف شده است. یکی از اصلی ترین مشکلات محتوای کنونی آموزش و پرورش، متناسب نبودن با نیازهای روز فرد و جامعه و دیگری حجم بالای محتواها می باشد. بدون پرداختن به علل ریشه ای این اشکالات، نمی توان برای اصلاح اشکالات کنونی گام برداشت. برطرف شدن این مشکلات می تواند به بهبود محتوای آموزشی منجر گردد (مصدق، ۱۳۹۸). یکی از اشتباهات سنتی آموزش و پرورش از گذشته تا حال، تمرکز و اصرار بر روی حفظیات و اطلاعاتی است که خیلی زود فراموش می شوند و نه در زمان تحصیل و نه در زندگی عادی ضرورت ندارند (زمانی، ۱۳۹۸). در کتاب های درسی حجم مطالب تکراری و کم خاصیت بسیار بالا است در حالی که قاعده تاً آموزش نه برای پر کردن مغز بچه ها با انواع حفظیات بلکه برای آماده کردن آن ها برای زندگی در اجتماع است. بچه ها باید بچگی کنند و شور و شوق زندگی و شهروند خوب بودن را یاد بگیرند. در آموزش و پرورش، حجم کتاب ها آنقدر بالا است که معلم و دانش آموز حتی وقت «فکر کردن» به آنچه می آموزند را ندارند. تمامی تلاش معلم و دانش آموز تمام کردن و حفظ مطالب درسی است. نه فکر کردن، نه تحقیق و پژوهش و نه آزمایش به صورت عملی و تجربه اندوزی، هیچ کدام واقعاً مورد توجه نیستند (کوهستانی، ۱۳۹۹). در چنین وضعی، به جای آنکه دانش آموز علم و مهارت های لازم را کسب کند، بار تکالیف

سنگین و آزمون های پیچیده را بر دوش می کشد که با وجود تحمیل فشار روانی بر دانش آموز، اولیا و معلم ممکن است ارتباط چندانانی هم با شرایط و نیازهای واقعی زندگی هم نداشته باشند.

تحول در آموزش

تحول یعنی منطبق کردن سازمان ها با آخرین پدیده های روز، فرایند ذوب شدن اندیشه ها، باورها و رفتارهای سنتی و تثبیت ارزش های نوین و استقرار نظام های جدید. در فرآیند تغییر، باورها، اندیشه ها و عادت های کهنه کنار گذاشته می شوند و به جای آن ها اندیشه ها و باورهای جدید، ارزش های نوین و نظام های جدید شکل می گیرند. در جریان تغییر باید جایگاه حقیقی پژوهش در تمامی جوانب و ساختارهای آموزش و پرورش روشن و شفاف باشد و در این مسیر معلم از ابتکار عمل برخوردار باشد (عبدی، ۱۳۹۴).

آموزش و پرورش به عنوان نظامی اجتماعی برای عملی ساختن تعلیم و تربیت نیازمند مشارکت و همکاری همه اجزا است. اما در حال حاضر پایین بودن شأن معلم، پایین بودن حقوق و مزایا و سطح دانش از مهمترین چالش ها می باشند که حل آنها از ضروری ترین مسائل آموزش و پرورش است.

در فرایند جهانی شدن، تلاش های مستقیم و غیرمستقیم مهاجمان فرهنگی در تضعیف فرهنگ ملی و کمرنگ کردن ارزش ها، گسستن تعلقات خانوادگی و سستی ملاحظات اخلاقی در میان نوجوانان و جوانان به روشنی قابل ملاحظه است. در این شرایط، بدون شک همواره در ارزیابی و یا بازنگری نظام های آموزشی هر کشور چندین مؤلفه اصلی مورد توجه است که با توجه به ویژگی های جامعه و فلسفه حاکم بر نظام آموزشی، شرایط، موقعیت ها، امکانات و فناوری آموزشی، محتوای هدفمند و کارآمد و پیوسته، ویژگی ها، نیازها و قابلیت های زیستی، شناختی و روانی- اجتماعی دانش آموزان از مهمترین آنها می باشند. شایسته آن است که از تدوین و اجرای برنامه های درسی به صورت منفعلانه و کلیشه ای و غیرلازم اجتناب کنیم. انتظار می رود که دروس عمده تاً کاربردی، مهارت محور و خلاقیت پرور بوده و کارآمدی دانش آموزان را تقویت کند.

نقش معلم در تحول آموزشی

در آستانه قرن بیست و یکم با توجه به سطح انتظارات افکار عمومی نسبت به برونادهای فعلی نظام تعلیم و تربیت کاستی های قابل توجهی احساس می شود. از طرفی تغییرات سریع به وجود آمده در عرصه های مختلف و تغییر نیازمندی های جامعه، همگی بازنگری در فرایند آموزش و پرورش را ضرورت بخشیده است. در نگرشی سریع به آموزش و پرورش برای جلب اعتماد عمومی، تربیت معلم شایسته مطرح می باشد. بنابراین پرداختن به برنامه آموزشی که بخشی از آن به معلمان خلاق و شایسته اختصاص داشته باشد اجتناب ناپذیر است (پرویزیان، ۱۳۸۵). در واقع، نقش معلم در توسعه فرهنگی و اجتماعی بر کسی پوشیده نیست. وظیفه آموزش و پرورش است که کودک را هم در بعد فردی شایسته بار آورد تا به صفات خوب انسانی مجهز شوند و هم او را به عضوی مؤثر در جامعه تبدیل سازد تا فردی مفید برای دیگران باشد. این نکته را باید مورد تأکید قرار داد که نه تنها فرد جدا از گروه اجتماعی خود نمی تواند پرورش یابد، بلکه باید همان کسی که هست بشود و در هر مرحله ای از پیشرفت که قرار دارد از تأثیر متقابل میان خودش و محیط اجتماعی اش برخوردار باشد و نامتعارف بار نیاید (افتخار، ۱۳۹۲).

معلم باید بر اساس بازه زمان، اهداف، اقدام و راهکار متناسب برای خود نقشه راه داشته باشد. این نقشه می تواند مجموعه ای از مقدمات (شامل ثبات شغلی و طی موفقیت آمیز مراحل مهارت آموزی، توانایی کلاس داری، مطالعه مطالب آموزشی و استفاده از تجارب همکاران)، به کارگیری شیوه های متناسب آموزش، مطالعه مداوم و شرکت در کارگاه های آموزشی، تدوین شیوه های مؤثر آموزشی بر اساس یادداشت تجارب در کلاس، ارائه ایده ها و تجارب ابتکاری و کارآمد، به کارگیری پژوهش و شیوه های تحقیق، شرکت در مسابقات و گردهمایی ها، بررسی همه جانبه شرایط، مقتضیات و نیازهای آموزشی جدید و... را در بر داشته باشد.

اهداف و دورنما

در تعیین اهداف باید نیازهای دانش آموزان و نیازهای جامعه، تفاوت های فردی و شکوفایی استعدادهای متفاوت، انعطاف پذیری برنامه های درسی و تأکید بر نقش معلم و اولیای دانش آموزان، تلاش در جهت تکمیل و ارتقای توازن و جامعیت محتوای آموزشی، تلاش در جهت تنوع در تدریس و ارائه تکالیف متناسب و جلب مشارکت دانش آموزان به منظور بهره برداری از ظرفیت و توانایی و شکوفایی استعداد آنان مورد توجه قرار گیرد.

باید تلاش کرد تا به صورت گام به گام با در نظر گرفتن تجارب و جستجو و تحقیق، زمینه کشف راه های تدریس و آموزش و یادگیری بهتر و مؤثرتر در ابعاد و مؤلفه های ارزشمند اخلاقی، رفتاری، گفتاری، علمی و فکری که همانا درونی کردن ارزش ها و هنجارها، مشارکت جمعی و نوآوری بر اساس روش های کارآمد و انطباق با علایق و نیازها، رشد و استعدادهای دانش آموزان را در بطن خود دارد مهیا شود. باید دغدغه علم آموزی و پیشرفت و پیشتازی علمی، ترغیب فراگیران نسبت به حل مسائل و مشکلات، قانونمندی و هنجارمندی در اولویت قرار گیرد (شیرکرمی، ۱۳۹۷).

بهترین برنامه ها در بستری از تلفیق موضوعات و مباحث نظری با جنبه های کاربردی و عملی و تلفیق آموزش و پرورش رسمی و غیررسمی و در نهایت تلاش برای تحقق انسان سازی جامع قابل تحقق است. امروزه مسأله انسان سازی در اکثر کشورهای جهان به شکل جامع و کامل تحقق نیافته است، به طور مثال بسیاری از کشورهایی که موفق به درونی سازی (ایجاد باور) و اجرای مؤلفه های حقوق شهروندی و اجتماعی شده اند اما از ابعاد دیگری نظیر اخلاق و رفتار و تفکر غفلت کرده اند و یا دست کم در این زمینه ها دچار نواقصی هستند. این نواقص با عوامل دیگری در ارتباط است که از جمله آن فرهنگ و تاریخ و رویه ها، برنامه ها و اقدامات گذشته آن جامعه قابل بحث و بررسی است. برنامه ای که شامل محتوا و درونمایه های مورد بحث باشد در سطوح مختلف اعم از مقدماتی، ابتدایی، متوسطه و عالی قابل پیگیری است. در دوره ابتدایی، می توان مراحل پرسش گری، علاقمندسازی، علم و آگاهی، اقدام و اجرا را مطرح نمود (همان)؛ در این راستا می توان به ترغیب دانش آموزان نسبت به تفکر و پرسش گری و علاقمند شدن به جستجوگری و کسب علم و دانش نسبت به امور و پدیده ها، محوریت یافتن قانون و برابری، تلاش و کوشش و کسب موفقیت که تربیت دانش آموزان پژوهنده و فکور را شامل می شود همت گماشت و آموزش چگونه زندگی کردن، چگونه کار کردن، چگونه فکر کردن و ... را مورد توجه قرار داد.

راهبردها و اقدامات

منظور از راهبرد یا استراتژی تهیه نقشه برای مجموعه ای از اقدامات در جهت دستیابی به اهداف است. امروزه معلمان باید هم به فرایندهای ذهنی مؤثر در یادگیری خود و هم به چگونگی تحقق یادگیری در دانش آموزان خود آگاهی داشته باشند. منابع و امکانات و وسایل، مطالعه و بررسی، استفاده از تجربه دیگران و افزودن بر تجربه خود، کاربرد رویکردها و روش های آموزشی، تدریس مشارکتی و بهره برداری از ظرفیت های کلاس، مدیریت تعاملات کلاسی، پژوهش در یادگیری، آموزش اصلاحی و مبتکرانه و متناسب با توانمندی دانش آموزان از ضروریات تدریس مؤثر می باشند. مرور، خلاصه کردن، دسته بندی مطالب، مثال آوری و نظارت و ارزشیابی، از راهبردهای آموزشی مؤثر می باشند. خط مشی ها در بردارنده برنامه ها و سیاست ها هستند و باید در راستای تدوین محتوا، ارزش ها و توازن و تعالی انسانی باشند تا شرایط و بستر تحقق تربیت معنوی و اخلاقی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را فراهم نمایند.

اگر برنامه های آموزش و پرورش در جهت تحقق تربیت انسانی در ابعاد اعتقادی، ملی و اجتماعی باشد، باید آموزش مهارت های زندگی، حقیقت جویی، مردم داری، وطن دوستی، تفکر، تعمق، تحقیق، نقادی، نوآوری و خلاقیت، نگاه به جلو، تاب آوری، وفق پذیری، یادگیری مداوم و نیازسنجی را در دستور کار قرار داد.

فرایندهای جهانی بیش از پیش به سمت خرد جمعی و تشکیل اجتماعات رسمی و غیررسمی پیش می رود و ارتباطات هر روز گسترده تر خواهد شد. هم زمان با گسترش و پیشرفت تکنولوژی ها و ماشینی تر شدن زندگی انسان، رفته رفته بر عمق و گسترش فعالیت های ذهنی و جسمی بشر افزوده می شود. با وجود تأثیر تکنولوژی بر فردگرایی، جهان امروز به شکل یک

دهکده اطلاعاتی در آمده که در آن انسان ها از هر قوم و نژادی دست کم از نظر فکری و ذهنی به سمت اشتراک دانش ها و تجارب و هم گرایی پیش می روند. مجموعه عوامل مذکور به رشد سریع علم می انجامد که جستجوی راه حل های متنوع و مؤثری برای حل مشکلات بشری و تسهیل پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و صنعتی را در پی دارد و نقش آموزش و پرورش در این بین بسیار حائز اهمیت است (شیرکرمی، ۱۳۹۷).

با توجه به سرعت تغییر و تحولات و خصوصاً با وجود ظهور تکنولوژی های جدید در چند دهه اخیر، برنامه ریزی برای آینده با پیچیدگی هایی مواجه است. درصد بالایی از دانش آموزانی که هم اکنون در مدارس ابتدایی تحصیل می کنند، در بزرگسالی در مشاغلی به فعالیت خواهند پرداخت که شاید اکنون هیچ کسی از آن اطلاع دقیقی ندارد. از این رو تربیت برای آینده و پیش بینی و برنامه ریزی برای آن قدری دشوارتر از گذشته شده است و در برنامه ریزی ها و پیش بینی ها گذشته از فرایندها و نیازهای داخلی، همچنین شرایط بین المللی و جهانی را نیز باید به دقت مورد مطالعه و نیاز سنجی قرار داد. امروزه نقش آموزش و پرورش در ابعاد مختلف تربیتی و تأثیر آن بر اخلاق، رفتار، گفتار، عملکرد، ارتباطات و... بر کسی پوشیده نیست. لازم است که آموزش و پرورش مؤلفه های توسعه و رشد اجتماعی، فعالیت اقتصادی، انصاف و قانون مداری، خلاقیت و نوآوری، نقادی و بیان گفتاری و نوشتاری را در محتوا، اهداف، روش ها، برنامه ها و برنامه ریزی ها دنبال کند و تلفیق محتوای رسمی و غیررسمی و آموزش همه جانبه، جامع و عمومی را در دستور کار قرار دهد. اینکه آموزش و پرورش با دیگر ابعاد اجتماعی، اقتصادی، روانشناسی و... در ارتباط تنگاتنگی است، یک واقعیت غیر قابل انکار است. آیا مسئولیت پذیری، وجدان کاری، قانون مداری و... با وضعیت تربیتی فرد در گذشته و حال در ارتباط نیست؟ برای تدوین هر برنامه و گام های آن، نخست باید از وضع موجود آموزش و پرورش، نقاط قوت و ضعف، امکانات و محدودیت ها و نیازها آگاهی لازم را کسب نمود (همان).

حرکت به سمت توسعه پایدار و جامع، مستلزم طراحی برنامه های درسی در بعد اهداف، محتوا، روش های ارزشیابی و به کارگیری وسایل و امکانات آموزش بر اساس پیش بینی و برنامه ریزی دقیق است و با استفاده درست از شیوه های تشویقی در راستای تربیت دانش آموز پژوهنده و خلاق، می توان به کار آمدی آموزش و پرورش امیدوار بود. اما چگونه می توان در راستای شکوفایی و کارآمدی تعلیم و تربیت حرکت کرد؟ از مشکلات امروز جامعه ما، عدم هم گرایی سازنده و عدم توجه به اشتراک معارف جمعی و نیز عدم تحقق شایسته سالاری است. تعصب های نابجا و سیاست زدگی موجب نادیده گرفتن استعدادها و دوباره کاری در برنامه ها و تحمیل هزینه های سنگین به جامعه می شود.

راهکارها

راهکارهای علمی و عملی را می توان در جهت ارتقای حرفه ای نیروی انسانی و نیز آموزش و تدریس مطلوب و کارآمد به کار گرفت که در نهایت به ارتقای کارایی و کیفیت کاری می انجامد. به منظور به کارگیری شیوه های متناسب آموزش، ارتقای توانایی های دیداری، بیانی و نمایشی، توانایی مشکل گشایی و ارائه ایده ها و تجارب ابتکاری و کارآمد آموزشی و افزودن بر تجارب حرفه ای خود لازم است تا راهکارها و اهرم های متناسب را در جهت تحقق اهداف و رویه ها به کار گرفت.

- ما در عصر انفجار اطلاعات و گسترش ارتباطات و دنیایی مملو از رقابت در عرصه های مختلف به سر می بریم و آموزش و پرورش بیش از گذشته بر حال و آینده جامعه اثرگذار است. بنابراین باید عناصر مختلف آن در حیطه سیاست ها و برنامه های آموزشی و درسی اعم از اهداف، محتوا، روش ها و ارزشیابی همواره مورد بازبینی و به روزرسانی قرار گیرند.

- کودکان مدت زیادی از وقت خود را در خانه و محله و در تعامل با خویشاوندان سپری می کنند. قطعاً تأثیر جنبه غیر رسمی در تربیت بسیار سرنوشت ساز است. مدرسه و خانواده باید در تعامل نزدیک باشند و گسترش آموزش و پرورش و برگزاری کلاس های هم فکری و آموزشی در ابعاد غیررسمی در جهت هماهنگی و تمرکز بر محتوای آموزشی و بهره برداری از همه ظرفیت ها برای آموزش عمیق و کاربردی بسیار ارزشمند و اثرگذار است.

- امروزه تأمین هزینه مالی برای انجام پژوهش های نوآورانه در هر سازمانی یک اصل اساسی محسوب می شود.

- توجه و اهتمام به مسأله نخبه پروری، ترجیح تخصص محوری بر گروه بازی، جستجوی مؤلفه های پیشرفت و برنامه ریزی برای آن از نیازهای اساسی جامعه امروز ماست.

- استفاده از ظرفیت های متنوع آموزشی اعم از تدوین و انتقال تجارب بزرگان و نیز اختصاص یک روز باز در ماه برای ارائه و نمایش کاردستی ها، خطاطی و سایر تولیدات دانش آموزان افزایش دانش و آگاهی و انگیزه دانش آموزان را در بر دارد.

- داشتن طرح درس جامع که از آغاز تا پایان کلاس تداوم داشته باشد و شامل شروع کلام، حضور و غیاب، ارزشیابی، اهداف کلی، جزئی و رفتاری، ارائه توضیحات و استفاده از وسایل کمک آموزشی، پرسش های هدفمند حین تدریس، کاربرد بحث و نمایش و ارائه تکلیف متناسب در جهت یادگیری عمیق توصیه می شود.

- به منظور تسهیل آموزش و همچنین کاربردی ساختن آن، با ارائه موضوعات و طرح مسائل اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و... نظیر تشویق دانش آموزان به تعبیر علائم رانندگی و مطالعه رسید خرید از مغازه می توان آنان را به سمت تفکر و خلاقیت و آشنایی مقدماتی با مشاغل و خدمات و وظایف اعضای آنها ترغیب نمود، به طور مثال با تعیین یک تکلیف می توان دانش آموزان را برای تهیه گزارش در این زمینه ها ترغیب نمود.

نتیجه گیری

نظام تعلیم و تربیت هر کشور اصلی ترین بستر تحول و پویایی آن است. اما تحول در آموزش و پرورش نیز در گرو تحول در نظام ارزش ها و نگرش های فرهنگی، پرورشی و آموزشی در جامعه است. مدارس انتقال دهنده ارزش های حاکم بر جامعه به نسل های آینده می باشند؛ در این راستا، همیاری و تعامل در آموزش و پرورش، آموزش متناسب و استفاده از روش های آموزشی نوین و اثربخش حائز اهمیت است. برای ایجاد تحول مثبت در آموزش و پرورش باید بستر و فضای فرهنگی، کار جمعی، همکاری و مشارکت و بهره گیری از ظرفیت های مادی و معنوی فراهم شود.

آموزش و پرورش به عنوان اهرم تسهیل روند هدایت و ترقی جوامع باید اهداف، محتوا، رویکردها و روش های خود را همگام با مقتضیات به روزرسانی کند. نقش معلم به عنوان بازوی اجرایی و خط مقدم آموزش و مسئولیت پذیری او در ابعاد علم آموزی، طراحی و برنامه ریزی، تدریس و ارزیابی و آینده نگری از اهمیت ویژه ای برخوردار است. اما حل بسیاری از مشکلات آموزش و پرورش صرفاً در توان و اختیارات معلم نیست و تا حدود زیادی به سیاستگذاری و برنامه ریزی و مشارکت سیستماتیک بستگی دارد. تا زمانی که معلم از وقت و حمایت و رفاه لازم و کافی برخوردار نباشد، مدارس فاقد ویژگی های ضروری باشند و انتظارات از معلم و دانش آموز دور از واقعیات موجود باشد، با وجود شایستگی معلم نمی توان به اصلاح و بهبود وضعیت آموزش و پرورش امید داشت.

منابع

۱. افتخار، سید محمد (۱۳۹۲). نقش معلم در توسعه فرهنگی و اجتماعی جامعه، سایت: <http://mohamad-eftekhar.blogfa.com/post/42>
۲. کوهستانی، محمد (۱۳۹۹). مشکلات و معضلات آموزشی و ارائه راهکار (چرا دانش آموزان از مدرسه دلزده شده اند ؟ - مشکلات اساسی نظام آموزشی)، سایت: <https://farhangesadid.com/fa/news/2445>
۳. هوشیار، صدیقه (۱۳۸۵). ویژگی های معلم در قرن ۲۱، <https://topteach.blogspot.com/1389/08/19/post-2/>
۴. عبدی، رضا (۱۳۹۴). تحول در آموزش و پرورش، سایت: <http://oerp.ir/paj/1656>
۵. شیرکرمی، جواد (۱۳۹۷). ترسیم نقشه راه آموزش، پودمان مهارت آموزی دانشگاه فرهنگیان.
۶. شیرکرمی، جواد؛ شریفی دروازه، مینو؛ قنبری، فرزاد (۱۳۹۵). تعلیم و تربیت فراگیران در عصر جدید (آسیب ها و راهکارها)، دومین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران، قم.

۷. زمانی، علی (۱۳۹۸). اشتباهات آموزش و پرورش در برابر میلیون ها دانش آموز ایرانی، سایت: <https://rooziato.com/1398220201>
۸. صالحی، سید حسن (۱۳۸۰). مجله فرهنگ مشارکت، شماره ۲۹.
۹. مصدق، هادی (۱۳۹۸). وضعیت نابسامان محتوای آموزشی ریشه در ساختار و سازوکار معیوب نظام آموزش و پرورش دارد، سایت: www.rabnews.ir
۱۰. یکتاپرس (۱۴۰۰). چالش ها و مشکلات آموزش و پرورش، سایت: <https://www.yektapress.com/fa/news/31007>